

Miss: One Word, Three Lives

English learning resource · FA

Line-by-line · English + Persian

63 lines

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

Julia, I missed the bus, I miss my sister, and I missed the target.

جولیا، من اتوبوس را از دست دادم، دلم برای خواهرم تنگ شده و به هدف نزدم.

How can one small word do three different jobs?

چطور یک کلمه کوچک می‌تواند سه کار متفاوت انجام دهد؟

Welcome to One Word, Three Lives, from Your English Toolbox.

به One Word, Three Lives از Your English Toolbox خوش آمدید.

I am Julia.

من جولیا هستم.

And I am Martin.

و من مارتین هستم.

Today our word is miss.

کلمه امروز ما miss است.

Three everyday situations will help you understand three of its common meanings.

سه موقعیت روزمره به شما کمک می‌کند سه معنی رایج آن را بفهمید.

Life one: you arrive at the bus stop just as the bus drives away.

زندگی اول: درست وقتی اتوبوس حرکت می‌کند به ایستگاه می‌رسید.

You missed the bus.

اتوبوس را از دست داده‌اید.

You were too late to catch it.

برای سوار شدن خیلی دیر رسیده‌اید.

We can miss a train or a flight in the same way.

به همین شکل ممکن است قطار یا پرواز را از دست بدهیم.

I left home late and missed my train.

دیر از خانه بیرون آمدم و به قطارم نرسیدم.

[Listen to this episode - youenglishtoolbox.com](https://youenglishtoolbox.com)

Read the complete resource online

Content version: candidate-ep170-v002-20261015



You can also miss an event because you are not there.

همچنین ممکن است رویدادی را از دست بدهید چون در آن حضور ندارید.

I was ill, so I missed the meeting.

بیمار بودم، پس در جلسه شرکت نکردم.

That does not necessarily mean you arrived late.

این لزوماً به معنی دیر رسیدن نیست.

It means you did not attend.

یعنی حضور نداشتید.

So the important idea is not taking part in, catching or experiencing something you intended to.

پس نکته اصلی این است که در چیزی شرکت نکنید، به وسیله نقلیه‌ای نرسید یا تجربه‌ای را که قصدش را داشتید از دست بدهید.

Exactly.

دقیقاً.

Life two: your sister lives far away, and you wish she were with you.

زندگی دوم: خواهرتان دور زندگی می‌کند و آرزو می‌کنید کنارشان باشد.

You miss your sister.

دلان برای خواهرتان تنگ شده است.

Here miss describes a feeling.

اینجا miss یک احساس را بیان می‌کند.

I feel her absence, and I would like to see her.

نبودنش را احساس می‌کنم و دلم می‌خواهد او را ببینم.

We can miss people, places or familiar experiences.

ممکن است دلتنگ آدم‌ها، مکان‌ها یا تجربه‌های آشنا شویم.

I miss my old neighbourhood.

دلم برای محله قدیمی‌ام تنگ شده است.

She misses having lunch with her friends.

او دلتنگ ناهار خوردن با دوستانش است.

That last example is useful.

مثال آخر مفید است.

After miss, we can use a noun or a verb ending in ing.

بعد از miss می‌توانیم اسم یا فعلی با پایان ing به کار ببریم.



I miss cooking with my sister.

.....

دلم برای آشپزی کردن با خواهرم تنگ شده است.

Not I miss to cook.

.....

.I miss to cook نه

I miss cooking.

.....

.I miss cooking بلکه

And compare these two sentences: I missed the meeting.

.....

و این دو جمله را مقایسه کنید: در جلسه شرکت نکردم.

I miss our meetings.

.....

دلم برای جلسه‌هایمان تنگ شده است.

The first probably means I did not attend.

.....

اولی احتمالا یعنی حضور نداشتم.

The second suggests I wish our meetings were still happening.

.....

دومی نشان می‌دهد آرزو می‌کنم جلسه‌هایمان هنوز برگزار می‌شدند.

Context tells us which meaning we need.

.....

بافت مشخص می‌کند کدام معنی را لازم داریم.

Life three: you throw a ball at a target, but the ball goes past it.

.....

زندگی سوم: توپی را به سوی هدف پرتاب می‌کنید، اما توپ از کنارش رد می‌شود.

You miss the target.

.....

به هدف نمی‌زنید.

You fail to hit it.

.....

موفق به زدن آن نمی‌شوید.

He tried to hit the basket, but he missed.

.....

او سعی کرد توپ را در سبد بیندازد، اما خطا رفت.

We can use miss without naming the target when the context is clear.

.....

وقتی بافت روشن است می‌توانیم miss را بدون نام بردن از هدف استفاده کنیم.

And the idea can be figurative.

.....

این ایده می‌تواند مجازی هم باشد.

If you miss the point, you fail to understand the main idea.

.....

اگر نکته اصلی را نگیرید، پیام اصلی را نمی‌فهمید.



The point is like a target for your understanding.

نکته اصلی مثل هدفی برای درک شماست.

For example: You noticed the price, but you missed the point.

مثلا: به قیمت توجه کردی، اما نکته اصلی را نگرفتی.

I was asking whether we need it at all.

سؤال من این بود که آیا اصلا به آن نیاز داریم.

Let us test the three lives.

بیایید سه زندگی را امتحان کنیم.

I was stuck in traffic, so I missed my flight.

در ترافیک گیر کرده بودم، پس پروازم را از دست دادم.

Is that arriving too late, feeling someone's absence, or failing to hit a target?

این یعنی خیلی دیر رسیدن، احساس نبودن کسی یا نزدن به هدف؟

Arriving too late.

خیلی دیر رسیدن.

Next: Since I moved away, I miss walking beside the sea.

بعدی: از وقتی نقل مکان کردم، دلم برای قدم زدن کنار دریا تنگ شده است.

Feeling the absence of an experience.

احساس نبودن یک تجربه.

Finally: The player threw the ball and missed the target.

آخرین مورد: بازیکن توپ را پرتاب کرد و به هدف نزد.

Failing to hit it.

نزدن به هدف.

Now make two short sentences of your own.

حالا دو جمله کوتاه از خودتان بسازید.

Begin with I missed, then begin with I miss.

اول با I missed و بعد با I miss شروع کنید.

For example: I missed the bus yesterday.

مثلا: دیروز به اتوبوس نرسیدم.

I miss seeing my friends every morning.

دلم برای دیدن دوستانم در هر صبح تنگ شده است.



One word, but the situation changes its meaning.

.....

یک کلمه است، اما موقعیت معنایش را تغییر می‌دهد.

On our episode page at yourenglishtoolbox.com, you can compare the three meanings and their examples in the vocabulary cards.

.....

در صفحه قسمت در yourenglishtoolbox.com می‌توانید سه معنی و مثال‌هایشان را در کارت‌های واژگان مقایسه کنید.

The link is in the description.

.....

پیوند در توضیحات است.

Next time you hear miss, ask yourself: what is missing from this situation?

.....

بار بعد که miss شنیدید، از خود بپرسید: چه چیزی در این موقعیت غایب است؟

A journey, a person or a target?

.....

یک سفر، یک شخص یا یک هدف؟

See you next time.

.....

تا دفعه بعد.

